

دلیل عقل در دیدگاه شیخ انصاری

سید محمد موسی مطلبی^۱، حسن جمشیدی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۹/۰۴ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۹/۰۱)

چکیده

برای شناخت نقش دلیل عقل در استنباط احکام شرعی در سیره نظری و عملی شیخ انصاری (ره) بررسی متون فقهی استدلالی و اصولی وی بر اساس روش تحلیل محتوا انجام شده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد او عقل را به‌عنوان رسول باطنی مطرح و حجیت آن را به این دلیل می‌پذیرد. وی به استقلال عقل در حکم باور دارد و قبح برخی محرمات شرعی را به دلیل عقل مستقل مستند می‌کند. وی نیز اعلام می‌دارد که دلیل عقل قطعی در تعارض با نص مقدم است و در مقام تعارض امارات، انتخاب اقوی به دلیل عقل است، در استدلال به عمومات عقل یاری‌کننده دلیل شرع خواهد بود. وی عقل را حاکم به اجتناب از محرمات شرعی و در مواردی در حکم شرع را به عقل می‌داند و بیان می‌کند که در مواردی تکلیف خطاب شرعی به دلیل عقلی ساقط می‌شود. او وجوب تحصیل موافقت با حکم شارع را به دلیل عقلی اثبات می‌کند. در مواردی استصحاب را دلیلی عقلی می‌داند و مقدمات آن را به صورت قضیه عقلی به اثبات می‌رساند. شیخ انصاری دلیل عقل را مؤسس برخی قواعد کلی دانسته است.

واژه‌های کلیدی: دلیل عقل، شیخ انصاری، عقل، منابع استنباط.

۱. نویسنده مسئول: استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی؛

Email: motalebi@ihss.ac.ir

۲. پژوهشگر جهاد دانشگاهی مشهد.

۱. مقدمه

در دوره و عصر عقلانیت دانشمندان علوم مختلف تلاش می‌کنند غایات، موضوعات، روش‌ها و نتایج قضایای استدلالی خود را رنگ عقلانیت ببخشند. از این‌رو فضای حاکم بر علم نیازمند این است که تمامی علوم اعم از انسانی، تجربی و حتی علوم دینی مورد نظر را به زینت عقل بیارایند. علوم اسلامی نیز در این شرایط باید منزلت عقل را در فرایند استنتاجات خود بنمایانند. در این میان فقه و اصول نیز که از مهم‌ترین علوم اسلامی محسوب می‌شوند و تمامی شئون زندگی فرد مسلمان را تحت تأثیر قرار داده‌اند و تمامی نظام‌های موجود در جامعه اعم از نظام حقوقی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به‌طور گسترده متأثر از آنهاست، باید رابطه خود را با عقل و دلیل عقلی و به‌کارگیری آن دو نشان دهد. بنابراین چنین پژوهش‌هایی نخست برای اینکه نشان دهند که عقل در فقه چه جایگاهی دارد و ثانیاً به‌منظور فراهم شدن زمینه استفاده بهتر و بهینه‌تر از عقل و دلیل عقل، ضروری به‌نظر می‌رسد.

به‌طور کلی توجه به عقل، به‌عنوان قوه درک، تدبیر و حکمت آدمی با ستایش فراوان دین اسلام روبه‌رو بوده و از آن به پیامبر باطنی تعبیر شده است. توجه مبدأ وحی به قوه عاقله بشر موجب شد علوم مختلف اسلامی مانند «فقه» از آغاز بر پایه عقل، خرد و تعقل و خردورزی ایجاد شود و حرکت در مسیر عقلانی را هدف اصلی خویش قرار دهد. بر این اساس است که ریشه لغوی واژه عربی وضع شده برای «فقه» نیز با تعقل و شناخت همراه است.

با این توضیح این مقاله در صدد است تا برای یافتن مفهوم و جایگاه واقعی دلیل عقل در فقه، موضوع را بررسی کند. بررسی دیدگاه‌های شیخ انصاری (ره) که از دانشمندان برجسته اصولی به‌شمار می‌آید، به‌کارگیری عقل را در فقه و اصول به شکل شایسته‌ای نشان می‌دهد. بنابراین هدف اصلی مقاله این است که مفهوم دلیل عقل و جایگاه و نحوه به‌کارگیری آن در اندیشه‌های نظری و سیره عملی وی بازبینی شود.

بنابراین سؤال اصلی مقاله این بوده که شیخ انصاری در اندیشه‌های نظری و سیره فقهی خود چه مفهومی را برای دلیل عقل ارائه داده‌است، دیدگاه نظری وی در رابطه با استفاده از دلیل عقل چیست و در عمل به چه نحوی از دلیل عقلی در کنار سایر ادله استفاده کرده است.

برای پاسخ به این سؤال ابتدا کتاب‌های شیخ انصاری (ره) انتخاب و سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا، آثار او اعم از متون فقهی، استدلالی و اصولی بررسی شده‌اند.

در این نوشته نخست به دیدگاه‌های برخی نویسندگان در رابطه با استفاده شیخ انصاری از دلیل عقل پرداخته می‌شود. سپس دیدگاه‌های نظری وی در مورد دلیل عقل در قالب مفهوم و تقسیم‌بندی دلیل عقل، مفهوم ملازمه بین حکم عقل و شرع و تقدم عقل بر شرع در مقام تعارض مطرح می‌شود. در بخش بعدی به موارد سیره عملی و به‌کارگیری دلیل عقل در فرایند فتوا توسط وی اشاره می‌شود.

۲. بررسی برخی دیدگاه‌ها

گفته می‌شود شیخ انصاری بسیار محتاط بوده و با وجود مبنای عقلی و دفاع مجدانه‌اش از عقل، به آیات و روایات استدلال کرده و به مباحث عقلی کم‌توجه است. همین رویکرد سبب شده است تا برخی (فیض، ۱۳۷۲) متأثر از چنین قضاوتی، کمتر در اندیشه‌ها و افکار او به پژوهش‌های ژرف بپردازند و به‌همین سبب در این زمینه چنین گفته‌اند: «گروهی چون صاحب معالم و شیخ انصاری و آخوند خراسانی، رضوان‌الله‌علیهم و بسیاری دیگر از اصولیین به‌هیچ‌عنوان متعرض دلیل عقلی نشده‌اند و حتی یک کلمه درباره آن سخن نگفته‌اند» (فیض، بی‌تا: ۴۶).

و دیگری (قماش، ۱۳۸۰) نیز این‌گونه نگاشته است: «با وجود اینکه دانشوران شیعی از دیرباز، از عقل به‌عنوان یکی از منابع احکام سود جستند، ولی اندک کسانی به تعریف آن پرداخته‌اند. از میان دانشمندان شیعی، شیخ طوسی نخستین کسی است که در نوشته اصولی خود عقل را تعریف کرده است. وی در این باره می‌گوید: منظور ایشان از یک رشته علوم، مجموعه معرفت‌های فطری و غیرفطری در قلمرو عقل نظری و عملی است. پس از ایشان در نوشته‌های اصولی دانشمندان عقل‌گرای شیعی چون علامه حلی، وحید بهبهانی، شیخ انصاری و... تعریفی از دلیل عقل دیده نمی‌شود».

همو در بخش دیگری (قماش، ۱۳۸۹) می‌نگارد: در یک نگرش گسترده می‌توان تحولات رخ داده در فرآیند بهره‌گیری از عقل را در این دوران به سه مرحله بخش‌بندی کرد: ۱. مرحله روی‌آوری به عقل و روش‌های عقلانی در استدلال‌های اصولی و فقهی بدون اینکه از عقل به‌عنوان یکی از منابع دستیابی به احکام یاد شود (قرن چهارم تا ششم هجری). در این مرحله می‌توان از کسانی چون ابن‌جنید (متوفای ۳۸۰ق)، شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳)، سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶)، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰) و ابن‌ادریس حلی (۵۴۳-۵۹۸) نام برد.

۲. مرحله‌ای که افزون بر روی‌آوری به عقل از آن به‌عنوان یکی از منابع دستیابی به احکام یاد می‌شود، بدون اینکه از آن تعریف شود و درباره آن کندوکاوی انجام پذیرد (اواخر قرن ششم تا سیزدهم هجری). نخستین کسی که به این بخش‌بندی پرداخته محقق حلی (متوفای ۶۷۶) در مقدمه کتاب معتبر است. دانشمندان پس از محقق حلی سخن او را پایه قرار داده‌اند و تنها اقسام دیگری بر آن افزوده‌اند.

۳. مرحله‌ای که از عقل به‌عنوان یکی از منابع دستیابی به حکم تعریف می‌شود و در آن به کندوکاو می‌پردازند (قرن سیزدهم تاکنون). در این مرحله نگاه ویژه‌ای به دلیل عقل شده است؛ یعنی آن را تعریف کرده‌اند و به تحلیل آن پرداخته‌اند و ابعاد بیشتری از آن را روشن ساخته‌اند. آغازگر این مرحله، میرزای قمی است. کسان دیگری چون شیخ محمد حسین اصفهانی، شیخ محمد تقی اصفهانی و بنا بر نقل محمد رضا مظفر، محسن کاظمی اعرجی، شیوه وی را ادامه داده‌اند.

مشاهده می‌شود که هیچ اشاره‌ای به شیخ انصاری و تلاش‌های او درباره دلیل عقل و تقسیمات آن نشده است، حال آنکه پس از نگاه گذرای به آثار اصولی و فقهی دیده می‌شود که شیخ انصاری به موارد مختلفی از مسائل دلیل عقل می‌پردازد:

۱. در استصحاب، تعریف کاملی از دلیل عقل بیان می‌کند (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۵۴۲، ۵۴۴ و ۵۵۴).

۲. در بحث قطع، از اعتبار احکام عقلی سخن می‌گوید (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۲۱-۱۵).

۳. در مطرح‌الانظار، درباره تعریف دلیل عقل و دیدگاه اصولیان درباره آن، اثبات حجیت عقل و احکام عقلی، قلمرو حجیت، ملازمه حکم عقل و شرع، ادله اثبات ملازمه، پاسخ به شبهات منکرین ملازمه و... به تفصیل سخن می‌گوید (شیخ انصاری، ۱۳۶۲: ۲۲۹-۲۴۵).

شیخ خطاپذیری عقل را همچون خطاپذیری روایات می‌داند و تقدم دلیل نقل بر عقل را نمی‌پذیرد، بلکه بر این باور است که باید سنت را در برابر دلیل عقلی توجیه کرد (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۸) حتی به‌طور صریح اعلام می‌کند که در ناسازگاری ظهور بعضی از آیات با دلیل عقل، باید از ظهور دست کشید و به تأویل و توجیه پرداخت (شیخ انصاری، ۱۳۶۲: ۲۴۰).

شیخ دلیل عقلی را با خبر واحد صحیح و حتی خبر مستفیضه بلکه متواتر لفظی هم در تعارض نمی‌بیند.

وی معتقد است: اساساً، نارواست که دلیل عقلی نادیده انگاشته شود و به روایتی تمسک شود که از حیث سند و بلکه از حیث دلالت و معنا نیز با هزاران پرسش همراه است (شیخ انصاری، ۱۳۶۲: ۲۳۷).

بنابراین در این نوشته برای نشان دادن استفاده گسترده شیخ از دلیل عقل مباحثی ارائه می‌شود. نخست دیدگاه نظری وی در باب دلیل عقلی مطرح خواهد شد که در آن ضمن تعریف دلیل عقل به تقسیم‌بندی دلیل عقل پرداخته است و به ملازمه عقل و شرع نیز اشاره می‌کند. همچنین استدلال او بر تقدم دلیل عقل بر دلیل شرع در مقام تعارض نیز در این مرحله مطرح می‌شود. سپس سیره عملی شیخ در استنباطات ارائه می‌شود که ضمن آن به قاعده‌سازی دلیل عقل اشاره خواهد شد، یعنی درک حکم شرع، همکاری دلیل عقل و شرع در عرض یکدیگر، انتخاب اماره اقوی به دلیل شرع و دلیل عقل به معنای فهم عرفی و در پایان از این مسائل نتیجه‌گیری می‌شود.

۳. دیدگاه نظری شیخ انصاری

در مورد دیدگاه نظری شیخ بیشتر به کتب اصولی وی پرداخته شده است تا نشان داده شود که وی در چارچوب مباحث اصولی خود چه جایگاهی را برای عقل تعیین می‌کند. بنابراین ابتدا تعریف او از عقل ارائه می‌شود.

۳.۱. تعریف دلیل عقل

شیخ در تعریف عقل می‌گوید: «دلیل العقل حکم عقلیّ يتوصل به الی حکم شرعی» (شیخ انصاری، ۱۳۶۲: ۲۲۹). دلیل عقل، حکمی است که به سبب آن دستیابی به حکم شرعی ممکن می‌شود. غرض و غایت دلیل عقلی نیل به حکم شرعی است. با این ویژگی که از شارع چیزی نرسیده است و عقل به همان چیزی رهنمون می‌کند که شرع رهنمون می‌کرد.

۳.۲. تقسیم‌بندی دلیل عقلی

دلیل عقلی در نظر شیخ انصاری بر دو نوع است:

۱. دلیل عقلی که متوقف بر خطابات شرعی نیست، مانند حسن و قبح عقلی که بدون توجه به آیات و روایات، حسن نیکوکاری و قبح ستمگری روشن و مبرهن است.
۲. دلیل عقلی که متوقف بر حکم شرعی است. مانند وجوب مقدمه واجب و حرمت فعل ضد واجب.

ممکن است بعضی ندانسته توقف در زبان شیخ انصاری را به معنای اعتبار بگیرند و حال آنکه اگر اعتبار دلیل عقلی به شرع باشد، به همان دلیل شرعی اخذ خواهد شد؛ بلکه مراد شیخ آن است که در حوزه ادله عقلی با دو دسته از ادله برخورد می‌کنیم:

۱. آن دسته از ادله که خود به صورت مستقل و بدون توجه به کتاب و سنت حکمی را بیان می‌کنند و البته حکم شرعی را بیان می‌کنند نه هر حکمی را. به بیان دیگر عقل در بیان حکم این موارد تام و تمام و به صورت علت تامه است، مانند قبح ستم. حتی در این موارد اگر هم آیه و روایتی نباشد خود عقل، قبح ستم را کشف و به آن حکم می‌کند.

۲. آن دسته از ادله که خود به صورت مستقل و بدون توجه به کتاب و سنت حکم شرعی را بیان نمی‌کنند. به بیان دیگر عقل در کشف و بیان حکم این امور، مستقل و تمام نیست، بلکه یک نحو تعلق به کتاب و سنت دارد. مانند مقدمه واجب که حکم وجود خود شیء را در شرع داریم و مقدمه آن در شرع بیان نشده است که عقل به وجوب مقدمه حکم می‌کند یا عقل به عدم ترک واجب حکم می‌کند، در صورتی که حکم وجوب چیزی از شرع وارد شده باشد، این عقل است که به اقتضای چنین حکمی، حکم ضد آن را می‌فهمد (شیخ انصاری، ۱۳۶۲: ۲۲۹).

در اینجا پرسشی مطرح است که آیا سببیت در حکم عقلی باید به نحو علت تامه باشد، یا مطلق حکم عقلی که در دستیابی به حکم شرعی نقش دارد، دلیل عقلی نامیده می‌شود؟ شیخ انصاری معتقد است:

۱. مواردی که حکم مجهول شرعی با استدلالی به دست آید که هر دو مقدمه آن، حکم عقل باشد، عقلی بودن دلیل حکم روشن است، مواردی که حکم شریعت با استدلالی صرفاً عقلی استنباط شود، منحصر به موارد حسن و قبح عقلی است. در این موارد بدون ضمیمه مقدمه شرعی، می‌توان به حکم شرع دست یافت. در اصول از آنها، با نام مستقلات عقلیه یاد می‌شود و فقها احکام شرعی این موارد را احکام تأکیدی یا ارشادی می‌دانند، تأکید و ارشاد به حکمی که عقل می‌فهمد.

۲. در مواردی که یکی از دو پایه استدلال، حکم عقل باشد، وقتی دلیل حکم عقلی دانسته خواهد شد که مقدمه شرعی استدلال محرز باشد. جهاد حکم واجب شرعی است، مقدمه آن (عبارت از تمامی آنچه که یک جهاد موفق به وجود آنها وابسته است) نیز شرعاً واجب محسوب می‌شود، چون مقدمه شرعی استدلال یعنی وجوب شرعی جهاد محرز است. دلیل حکم در این مورد را باید عقل (و نه شرع) دانست. برعکس اگر مقدمه عقلی استدلال خود بدیهی باشد، شرع منبع حکم خواهد بود. مواردی که فهم

حکم بر مقدمه عقلی استدلال استوار باشد، شمول و گستره بیشتری دارد مانند: ۱. مقدمه واجب؛ ۲. اجتماع امر و نهی؛ ۳. مسئله اجزا؛ ۴. مسئله ضد؛ ۵. تمامی مواردی که در ملازمات عقلیه بحث می‌شوند.

بنابراین هرگاه اساس حکم به عقل استناد یابد، هرچند علت تامه نباشد، دلیل حکم، عقلی دانسته خواهد شد و این خود معیار بازشناسی دلیل عقلی از دلیل شرعی است: «فالمراد من التسمية بالعقلی انّ الحکم مستند الی العقل لا الاجماع و غیره من الادلة الشرعية.» (شیخ انصاری، ۱۳۶۲: ۲۲۹). منظور از عقلی دانستن دلیل آن است که حکم به عقل استناد دارد، نه به اجماع و غیر آن از دلیل‌های شرعی. از این رو وی فرقی نمی‌گذارد که حکم عقل، صغرا یا کبرا برای استدلال قرار گیرد. شیخ انصاری عناصری مانند استصحاب بر مبنای عقلی، قیاس، استحسان و استقراء را در ردیف همین موارد می‌داند (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، ج ۲: ۵۴۴) زیرا در این موارد نیز به سبب حکم عقل و البته با واسطه قرار دادن خطابی از شرع، حکم شرع دانسته می‌شود (شیخ انصاری، ۱۳۶۲: ۲۳۳).

در مورد استصحاب، فقیه این‌گونه به حکم دست می‌یابد: مقدمه نخست: وجود وضوء در سابق، یقینی بوده و اکنون مورد شک است. مقدمه دوم: به حکم عقل، آنچه در سابق ثابت بوده، همچنان ثابت است. نتیجه: وجود وضوء، شرعاً ثابت می‌شود. در این مثال و مواردی همانند آن، فقیه با ضمیمه و استناد به حکم عقل، ابقای وجود حکم شرعی را کشف می‌کند.

بنابراین، به اعتقاد شیخ انصاری، در مستقلات و غیرمستقلات عقلیه، چون با حکم عقلی، حکم شرعی به دست می‌آید، عقل در ردیف ادله احکام و منبع استنباط حکم شمرده می‌شود و مواردی که فقیه برای کشف حکم شرعی، به آیات قرآنی و حدیثی تمسک می‌جوید و بر پایه این عناصر، به استدلال‌های عقلی می‌پردازد، عقل به مثابه ابزار استنباط شناخته خواهد شد.

شیخ انصاری، حجیت و اعتبار احکام عقلی را (چه در مواردی که عقل منبع و دلیل حکم باشد و چه ابزار استنباط) بدون تردید می‌پذیرد:

«لاکلام فی المقام فی حجیة العلم الحاصل من الادلة الشرعیة العقلیة» (تبریزی، ۱۳۶۹ق: ۲۳۳).

۳.۳. ملازمه حکم عقل و شرع

در حجیت علمی که از دلیل‌های عقلی به دست می‌آید، هیچ سخنی شنیده نیست. شیخ درستی این باور را بر وجود ملازمه واقعی بین حکم شرع و عقل، بنیان می‌نهد و در همین زمینه به اثبات و تبیین قاعده کلّ ما حکم به العقل حکم به الشرع، می‌پردازد و با صراحت می‌گوید:

«العقل السليم أيضاً حجة من الحجج، فالحكم المنكشف به حكم بلغه الرسول الباطني، الذي هو شرع من داخل، كما ان الشرع عقل من خارج...» (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۹).

عقل سالم نیز یکی از حجت‌هاست. پس حکمی که به سبب عقل کشف شود، حکمی است که توسط رسول باطنی ابلاغ شده است. عقل، شرع درونی آدمیان و شرع، عقل بیرونی آنان است. نیز گفته است:

«انّ العقل رسول في الباطن كما انّ الشرع عقل في الظاهر فحكم الشرع قائم بالعقل حيث انه لسان الشرع» (شیخ انصاری، ۱۳۶۲: ۲۳۴).

به راستی عقل، رسولی پنهان در باطن همان‌طور که شرع عقلی آشکار در ظاهر است. پس حکم شریعت بر عقل مبتنی است زیرا عقل، زبان شرع است.

بنابراین شیخ انصاری احکام عقلی را به آن جهت حجت می‌داند که آن را نوعی بازگویی عقلی از احکام شرع می‌شمارد. باور شیخ انصاری برآیندی از احادیث است. در سخنان معصومین (ع)، عقل حامل رسالتی است همچون رسالت پیامبران و امامان (ع) همان‌گونه که پیامبران را حجت بیرونی شمرده‌اند، عقل را نیز حجت درونی معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۱۵ و ۱۶).^۱

۳.۴. تقدم عقل در تعارض با نقل

اخباری‌ها به قطعی که از مقدمات عقلی حاصل شود، اعتماد نمی‌کنند؛ زیرا اشتباه‌نمایی عقل را بسیار می‌دانند. در حقیقت دلیل عقلی را بر نمی‌تابند. شیخ انصاری به دفاع از تفکر عقلی می‌پردازد و این دیدگاه را نادرست می‌شمارد. شیخ معتقد است: اگر کشف عقلانی احکام شریعت، به سبب اشتباه بسیار عقل، فاقد اعتبار باشد، کشف حدیثی احکام

۱. برخی مطالب بالا برگرفته از نوشته مفصلی است از: مخلص، عباس؛ پایگاه فکری شیخ انصاری؛ مجله فقه، شماره اول، فروردین ۱۳۷۳: ۴۸-۶۰.

نیز این‌گونه است. زیرا در کشف حدیثی نیز، به سبب ابهام‌هایی که در احادیث وجود دارد اشتباه‌های بسیاری رخ می‌دهد (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۵).

برخی می‌پندارند اگر احادیث معصومین (ع) منبع دریافت حکم باشد، خطا و اشتباه در فهم احکام شرعی رخ نمی‌دهد. این پندار بیشتر بر پایه خطاپذیری ادراک‌های عقلی شکل گرفته است. شیخ به این اشکال پاسخ نقضی می‌دهد و آنان را متوجه خطا و اشتباه بسیاری می‌کند که در فهم حدیثی احکام نیز وجود دارد. عوامل خطا و اشتباه در دریافت‌های فقهی از احادیث عبارتند از:

۱. جعل حدیث از سوی جاعلان و دروغ‌پردازان، به کین یا به طمع، موجب شده است اسناد قطعی احادیث به امامان (ع) با تأمل و سؤال روبه‌رو شود.
۲. حاکمیت تفکر اهل سنت و پشتیبانی خلفا از آن، انزوای تفکر شیعی و طرد آن از سوی خلفا را موجب شد. از این‌رو امامان شیعه (ع) نتوانسته‌اند تلقی فقهی خویش را از دین به خوبی بیان کنند و در پاره‌ای از احادیث، مخالف آنچه می‌اندیشیده‌اند، سخن گفته‌اند. شناخت این‌گونه احادیث به راحتی میسر نیست.
- ۳ و ۴. سخنان امامان (ع) در بستر زمانی و با توجه به فرهنگ خاص، صادر شده است. امامان (ع) هنگام سخن گفتن به نوع تفکر و سطح فکری و فرهنگی مخاطبان توجه داشته‌اند. این قرائن و قالب‌های گفتاری که در شناخت صحیح سخن، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، اکنون از بین رفته است و موجب برداشت‌های اغلب اشتباه از احادیث می‌شود.

به همین دلیل شیخ انصاری خطاپذیری عقل را مانند خطاپذیری حدیث می‌شمارد و جواز استناد به احادیث را، دلیل بر جواز استناد به عقل می‌داند.

از آن مهم‌تر اینکه شیخ تقدم دلیل نقلی بر دلیل عقلی قطعی را نمی‌پذیرد و بر آن است که در مورد تعارض عقل و نقل، اگر نتوان دلیل نقلی را طرح کرد، به ناچار باید آن را تأویل و توجیه کرد (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۸). شیخ در تثبیت دلیل عقل و تقدم آن گام‌های استوارتری برمی‌دارد و نه فقط خبر واحد و مستفیضه، بلکه دلیل عقل را بر تواتر لفظی نیز مقدم می‌دارد:

«انّ الدلیل الدال علی الملازمة قطعیّ و لایعارضه خبر الواحد بل ولا المتواتر لفظاً، فلا بدّ إمّا من حمله علی خلاف ظاهره أو من طرحه» (شیخ انصاری، ۱۳۶۲: ۲۳۷).

دلیل عقلی که ملازمه حکم عقل و شرع را اثبات می‌کند، قطعی است. خبر واحد و

بلکه خبر متواتر لفظی نیز نمی‌تواند با آن معارضه کند. پس ناچار یا باید بر معنایی خلاف ظاهرش حمل یا طرح شود و حتی در تعارض دلیل قطعی عقل با ظهور آیات قرآن، قاطعانه دلیل عقل را بر ظهور آیات مقدم می‌دارد (شیخ انصاری، ۱۳۶۲: ۲۴۰).

احادیث معتبری وجود دارد که اگر کسی نماز را فرادا بخواند و سپس نماز جماعتی برگزار شود، می‌تواند اعاده کند (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۴۵۳) از سوی دیگر عقل می‌گوید: کسی که نماز گزارده امر خدا را امتثال کرده و ملاک حکم حاصل شده است و امتثال پس از امتثال نشاید، زیرا تشریح لازم می‌آید. در اینجا، در پرتو دلیل عقل، احادیثی را که بر وجوب اعاده نماز دلالت دارد، توجیه و آنها حمل بر استحباب می‌شود (طباطبایی، ۱۴۰۴، ج ۷: ۳۴).

از سخنان شیخ انصاری، دو استدلال بر صحت و درستی این تأویل‌ها به دست می‌آید:

۱. از ظهور آیات و احادیث، در نهایت، ظن حاصل می‌شود، اما دلیل عقل، قطعی و یقین‌آور است. ظن در برابر قطع، حجیت و اعتباری ندارد (شیخ انصاری، ۱۳۶۲: ۲۳۷).

۲. دلیل نقلی بر دلیل عقلی تقدم ندارد:

«وجه الاستشکال فی تقدیم الدلیل النقلی علی العقلی الفطری السلیم ماورد من النقل المتواتر علی حجیة العقل، وانه حجّة باطنیة، وانه مما یُعبد به الرحمن و یکتسب به الجنان، و نحوها مما یستفاد منه کون العقل السلیم ایضاً حجّة من الحجج، فالحکم المنکشف به حکم بلغه الرسول الباطنی، الذی هو شرعٌ من داخل کما انّ الشرع عقل من خارج» (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۹).

سبب عدم تقدم دلیل نقلی بر دلیل عقلی فطری و سالم، وجود احادیث متواتری است که بر اعتبار و حجیت عقل دلالت می‌کنند. بر پایه این احادیث، عقل حجّت باطنی و چیزی است که با آن خدای یکتا به عبودیت گرفته می‌شود و آسایش درجهان دیگر به دست می‌آید. یا احادیثی که از آنها دانسته می‌شود عقل سلیم نیز، یکی از حجت‌هاست. پس حکمی که به کمک عقل کشف شود، حکمی است که توسط رسول باطنی ابلاغ می‌شود. عقل، شرع درونی آدمیان و شرع، عقل بیرونی آنان است.

۴. سیره عملی شیخ انصاری

افزون بر بحث‌های نظری که مرحوم شیخ انصاری در تبیین دلیل عقل در آثار اصولی خود دارد؛ اگر معیار خردگرایی در فقه را به کار بردن دلیل عقل در فقه بدانیم، بدون

تردید شیخ مرتضی انصاری از پیشگامان این عرصه است. او در آثار فقهی خود از دلیل عقل استفاده فراوان برده است.

۱.۴. تأسیس قاعده کلی

در موارد زیادی شیخ انصاری از عقل برای احکام الزامی استفاده و در برخی مواضع یک قاعده کلی را مطرح کرده است که از آن در استنباط استفاده می‌شود. برخی از این قواعد در اینجا ذکر می‌شوند.

۱.۴.۱. قاعده کلی لزوم دفع عقاب محتمل

از نظر شیخ در شبهه محصوره اگر ظرف نجسی با ظرف پاکی مشتبه شود، اجتناب از هر دو به حکم عقل واجب است: «ولو اشتبه الإناء النجس "ذاتاً أو بالعرض" بالطاهر" الواحد أو المتعدد المحصور" وجب "مقدمة للعلم بالاجتناب عن النجس الواقعي الواجب بحکم العقل الملزم لدفع العقاب المحتمل مع ارتكاب أحدهما "الامتناع عنهما" فإن الاقدام علی ما لایؤمن فیہ المفسدة والعقاب فی القبح كالاقدام علی ما یقطع فیہ بذلک علی ما حکم به العقل...» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۷۶).

اگر ظرف نجسی چه ذاتی و چه عرضی با ظرف پاک واحد یا متعدد محصوری مشتبه شود، اجتناب از آنها واجب است و این از باب مقدمه علم به اجتناب از نجس واقعی به دلیل حکم عقلی مبنی بر لزوم دفع عقاب محتمل ناشی از ارتکاب هر یک از دو مورد است. زیرا از نظر عقل، اقدام به امری که ایمن از مفسده و عقاب نیست، در زشتی و قباحت مانند اقدام به امری است که مفسده و قبح آن قطعی است. در متن فوق مشاهده می‌شود که در شبهه محصور اقدام نسبت به چیزی که ایمن از مفسده و عقاب نیست، به منزله اقدام به چیزی شمرده شده که در آن مفسده و عقاب است. عقل به دفع عقاب محتمل حکم می‌کند که قاعده‌ای کلی محسوب می‌شود.

۱.۴.۲. قاعده لزوم تحصیل یقین به موافقت

فرض بر این است که تکلیفی مبنی بر اجتناب از نجس واقعی وجود دارد، بنابراین با وجود این تکلیف عقل بالاستقلال حکم می‌کند به اینکه باید از چیزی که نجس است اجتناب کرد و یقین به موافقت با این تکلیف لازم است و صرف احتمال موافقت کافی نیست: «... استقلال العقل بوجوب تحصیل یقین بالموافقة وعدم قناعته باحتمال الموافقة مع فرض ثبوت تکلیف یقینی بالاجتناب عن النجس الواقعی» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۷۷).

۳.۱.۴. لزوم جلب منفعت و دفع ضرر احتمالی

یکی از کارهایی که عقل می‌کند حکم به لزوم جلب منفعت احتمالی است (شیخ انصاری، کتاب‌الصلوة، ۱۴۱۵، ج ۲: ۳۱۱) چنانکه نقطه مقابل آن دفع ضرر احتمالی به مقتضای حکم عقل است. شیخ انصاری گاه خود به این قاعده تصریح کرده است و آن را در مقابل دفع ضرر قرار می‌دهد و دفع ضرر را اولی از جلب منفعت می‌شمارد (شیخ انصاری، ۱۴۱۴: ۱۵۵). وی گاه از آن به قاعده احتیاط در جلب ثواب مستفاد از عقل تعبیر می‌کند (شیخ انصاری، ۱۴۱۴: ۱۷۴؛ همو، کتاب‌الطهارة، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۸۰) او در جای دیگری تصریح کرده است:

«الاقدم علی محتمل المنفعة و مأمون المضرة عنوان لاریب فی حسنه. ولا فرق عند العقل بینه و بین الاحتراز عن محتمل الضرر» (شیخ انصاری، ۱۴۱۴: ۱۳۹).

به این معنا که اقدام بر آنچه در آن احتمال منفعت می‌رود و ایمن از ضرر است، عنوانی است که شکی در حسن آن از نظر عقل نیست و عقل بین آن و بین اجتناب از چیزی که در آن احتمال ضرر است، فرقی قائل نمی‌شود.

در مواردی از این قاعده به امری استنباطی در نزد عقل اشاره می‌کند (شیخ انصاری، ۱۴۱۴: ۱۷۲).

۴.۱.۴. قبح عقاب بلا بیان

در بحث مبطلات صوم بعضی فتوای به غیر علم را نیز از مبطلات بر شمرده‌اند. شیخ برای بیان نظر خود به دلیل عقل استناد می‌کند:

«ثم إن الافتاء من غیر علم، الظاهر أنه لیس مفطراً، و إن بانت المخالفة، لانه لیس تعمداً للكذب. و الحصر فی قوله تعالی: قل الله أذن لكم أم علی الله تفترون إنما هو فی المورد الخاص، و هو تحریم اليهود لبعض الاشياء، و لاریب أن عدم الاذن فی التحريم يقتضی الرجوع إلى حکم العقل بأن الله تعالی لم یحرمه من غیر بیان، بل حکم العادة - بل العقل - بأنه لو كان حراماً لبینه لهم نبیهم، فتشريع الحرمة - مع ذلك - کذب علی الله، فلا تقتضی الآیة أن الحکم من غیر علم - مطلقاً - کذب» (شیخ انصاری، ۱۴۱۳، ج ۱: ۷۵).

فتوا دادن بدون حصول علم ظاهراً مفطر روزه نیست ولو اینکه مخالفت آن پدیدار شود، زیرا تعمد در کذب نیست. حصر در قول خداوند متعال در آیه شریفه «قل الله أذن لكم أم علی الله تفترون» در مورد خاصی است و آن اینکه یهود برخی چیزها را حرام کردند و شکی نیست که عدم اجازه در تحریم اشیا اقتضا می‌کند که به حکم عقل

رجوع شود که خداوند متعال آن را بدون بیان حرام نکرده است. بلکه عادت و حتی عقل، به این حکم می‌کند که اگر آن چیز حرام بود، پیامبر آنها آن را بیان می‌کرد. پس تشریح حرمت با وجود این کذب بر خداوند است و بنابراین آیه موجب نمی‌شود که حکم و فتوای بدون علم مطلقاً کذب باشد.

توضیح مطلب اینکه شیخ می‌فرماید آیه شریفه در مورد یهود آمده است که برخی چیزها را بدون اذن از طرف خداوند تحریم می‌کردند. بنابراین وقتی اذنی از طرف شارع مبنی بر تحریم وجود ندارد، به عقل رجوع می‌شود و در این مورد عقل حکم می‌کند که خداوند متعال بدون بیان، چیزی را حرام نمی‌کند. حتی می‌توان گفت عادت و عقل حکم می‌کنند که اگر چیزی حرام بود، پیامبر یهود آن را به ایشان اعلام می‌کرد. بنابراین تشریح حرمت، موجب دروغ بستن به خداوند است. از این رو آیه موارد اینچنین را شامل می‌شود. به این معنا که با بررسی حکم شرع و عقل می‌توان به حکم ظاهری دست یافت و این حکم بر اساس آیه، کذب بر خداوند به حساب نمی‌آید، بلکه وقتی کذب بر خداوند است که بدون بررسی حکم شرع و عقل یا در مقابل آن حکم و فتوایی صادر شود.

۲.۴. شرایط عقلی در عبادت

در ذیل بحث وجوب نیت در عبادت که آیا شرعی است یا عقلی، شیخ بر این باور است که در عبادات، عقل به لزوم نیت حکم می‌کند و به وجوب آن در شرع نیازی وجود ندارد. پس شیخ استدلال می‌کند که عبادت شرعاً بر چیزی بیش از آنچه عقل درک می‌کند، متوقف نیست.

«فالأقوی ما اختاره المتأخرون، و حاصله: أن العبادة لا تتوقف شرعاً علی أزید مما تتوقف علیه عقلاً، إلا أن الغایة فیها هی الإطاعة والتقرب. و لعل هذا مذهب کل من أهمل ذکر النیة من القدماء، اتکالا فی اعتبار أصلها علی حکم العقل باعتبارها فی کل فعل اختیاری، و فی اعتبار غایة التقرب إلی ما هو اللزوم من فرض کونه من العبادات المأخوذ فیها قصد التعبد والإطاعة» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۳).

شیخ بر این باور است که در عبادات آنچه از نیت شرط محسوب می‌شود، تمام آنچه است که عقل آن را شرط می‌داند و در شرع چیزی مازاد بر شرط عقلی وجود ندارد و تنها فرق آن در هدف نهایی از عبادت، یعنی اطاعت و تقرب است. شیخ اضافه می‌کند که این باور در مورد نیت شاید نظر همه کسانی از قدما باشد که در مورد نیت اهمال می‌کنند و در مورد شرط بودن آن در عبادت تأکیدی نمی‌ورزند. این گروه در نظرشان

به این امر تکیه می‌کنند که عقل در هر امر اختیاری نیت را شرط می‌داند. بنابراین به تأکیدی از سوی شرع بر آن نیازی نیست. از طرفی ایشان در مسئله هدف تقرب به این امر تکیه می‌کنند که لازمه عبادت بودن این است که در آن قصد عبادت و اطاعت در نظر گرفته شده باشد.

۳.۴. سقوط تکلیف در حال بیهوشی

وقتی شخصی بیهوش است هیچ تکلیفی ندارد و دلیل بر آن عقل است. بعضی به روایت استناد کرده‌اند. شیخ انصاری پس از پرداختن به دلیل شرعی می‌افزاید مضمون روایت مورد بحث چیزی بیش از حکم عقل نیست. در متن کتاب طهارت چنین آمده است: «... و بالجمله مضمون هذه الرواية ليس شيئاً زائداً على ما يحكم به العقل من سقوط التكليف حال الاغماء...» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲: ۶۱۱).

نکته مهم این است که طبق ادعای شیخ اگر عقل به چیزی حکم کرد، دلیلی ندارد به روایتی استناد شود که حکم عقل را بیان می‌کند. در ادامه شیخ بیان می‌کند که عقل بین خواب و بیهوشی فرق نمی‌گذارد. «لاریب ان العقل لايفرق بين حالتی النوم و الاغماء فی قبح» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲: ۶۱۱).

۴.۴. درک گناهان کبیره

گناهان کبیره در کتاب‌های مختلفی مطرح شده است. در تعریف کبیره گفته‌اند «هی ما أوعده الله عليها النار». بسیاری از معاصی وجود دارد که در بین فهرست معاصی نیامده و به حکم عقل مستقل در واقع آنها در پیشگاه خداوند مستوجب آتشند. مانند حبس زن شوهردار برای زنا، و ... در نظر شیخ عقل بالاستقلال اموری را گناه و مستوجب عقوبت و آتش می‌داند که فراتر از فهرست گناهان کبیره هستند.

«اعلم أن الأقوال فی الكبائر مختلفة جداً، ووردت أخبار كثيرة علی أنها "هی ما أوعده الله عليها النار"، لكن یشکل أن كثيراً من أفراد المعاصی التي لم تعد من هذه أكبر - بحکم العقل المستقل - عندالله مما أوعده الله عليها النار، مثلاً حبس المحصنة لیزنی بها أحد أعظم عندالله من قذفها والدلالة علی عورات المسلمین المفضیة إلى قتلهم و أسرهم أعظم عندالله من الفرار من الزحف أو أكل مال الیتیم، و کذا سعاية المؤمن إلى الظالم المفضیة إلى قتله أعظم من غیبه بما فیها، وهكذا» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۶۶).

«بدان که نظرات در کبیره‌ها دارای اختلاف جدی است و اخبار زیادی مبنی بر اینکه آنها چیزهایی است که خداوند وعده آتش بر آنها داده، وارد شده است، ولی مشکل در این است که بسیاری از معصیت‌ها که از این کبیره‌ها شمرده نشده است، به حکم عقل مستقل نزد خداوند بزرگ‌تر از آنچه خداوند بر آن وعده آتش داده است، می‌باشد، به‌عنوان نمونه زندانی کردن زن شوهردار به‌خاطر زناى فردی با وی نزد خداوند بزرگ‌تر است از قذف او، و نشان دادن نقطه‌ضعف‌های مسلمین که موجب قتل و اسارت آنان می‌شود که نزد خداوند از فرار از لشکر در جنگ یا خوردن مال یتیم بزرگ‌تر است و نیز مخالفت و دشمنی با ظالمی که منجر به قتل فرد می‌شود، بزرگ‌تر است از غیبتش به آنچه در آن است و همچنین موارد دیگر».

وی در ادامه این احتمال را مطرح می‌کند که ممکن است مراد از گناهان کبیره‌ای که در روایات آمده‌اند، گناهان کبیره نوعی باشد. به این معنا که در آنها وعده آتش بر نوع آن داده شده است و غیر موارد ذکرشده در روایات کبیره‌های نوعی نیستند، ولو اینکه بعضی موارد شخصی آنها شاید کبیره باشد یا حتی کبیره‌تر از کبیره‌های نوعی باشند.

شیخ همچنین بر این باور است که اختلاف روایات در برشمردن گناهان کبیره، بر اختلاف مراتب آنها حمل می‌شود. اگر کبیره بودن هر عملی به نص معتبری ثابت شود، کبیره خواهد بود و این نص با روایتی که این گناه را در بین گناهان کبیره یادآور نشده است، در تعارض نیست. وگرنه اگر عقل مستقل، گناهی را از یکی از گناهان کبیره منصوصه قبیح‌تر شمارد، آن گناه نیز کبیره خواهد بود، زیرا اینکه گناهی کبیره شمرده می‌شود، تنها به‌دلیل بزرگی و شدت زشتی و قبح آن نزد خداوند متعال است، نه اینکه به‌علت خصوصیت مرتبه‌ای از زشتی و قبح یا خصوصیات دیگری کبیره شمرده شده باشد. «وإلا فإن كان بحسب العقل المستقل أفبح من إحدى الكبائر المنصوصة فهي أيضا كبيرة، لأن الظاهر أن اتصاف الذنب بالكبيرة ليس إلا من جهة عظمته و شدة قبحه عندالله عز وجل، لا لأجل خصوصية مرتبة من القبح أو لخصوصية اخرى» (شیخ انصاری، کتاب‌الصلوة، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۶۷).

شیخ در پایان این نتیجه‌گیری را مطرح می‌کند که گناهی کبیره است که توسط نصوص تعیین شود یا عقل مستقل بر همانندی آن با کبیره‌های منصوص یا بزرگ‌تر بودن از کبیره‌های منصوص حکم کند. وی دوباره تصریح می‌کند که آنچه در نصوص به آن اشارت رفته کبائر نوعیه است.

«فالأظهر ما ذكرنا من دوران الحكم بالكبيرة مدار النص المعتبر أو حكم العقل

المستقل بكونه مثل المنصوص أو أعظم، و أن الموجود في النصوص ذكر الكبائر النوعية» (شیخ انصاری، کتاب الطهارة، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۶۹).

۴.۵. ترجیح اماره قوی

یکی از مواردی که دلیل عقل کارآمد خواهد بود، تشخیص بین دو اماره است. حتی اگر دو اماره قوی بودند، عقل حکم می‌کند که به اماره قوی‌تر تمسک شود. «و حکم العقل بترجیح احدى أقوى الامارتین، و انحصلت القوة بعد الاخذ باحدهما (شیخ انصاری، القضاء والشهادات، ۱۴۱۵: ۵۸).

۴.۶. عقل به معنای فهم عرفی

یکی از کاربردهای عقل در روش استنباط شیخ، عقل به معنای فهم همگانی است. به بیان دیگر شاید فهم عرفی باشد. چنانکه می‌گوید:

«مع أن اختلاف السطوح لازم مع الممازجة، و لا يفرق العقل بين الاختلاف الحاصل بالماء والحاصل في الهواء» (شیخ انصاری، کتاب الطهارة، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۳۱).

آن‌گونه نیست که عقل بین اختلاف سطوح آب فرقی نگذارد. به نظر می‌رسد منظور شیخ از این عقل که به مسامحه از کنار امور می‌گذرد، همان فهم عرفی باشد. در اینکه عقل فرقی بین اختلاف حاصل از آب با اختلاف حاصل از هوا نمی‌گذارد، یقیناً منظورش عقل عرفی است:

«لا يفرق العقل بين الاختلاف الحاصل بالماء والحاصل في الهواء (شیخ انصاری، کتاب الطهارة، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۳).

واضح است که عقل به معنای دقیق خودش بین چنین اختلافی فرقی فاحش می‌بیند. این عرف است که از باب مسامحه خیلی چیزها را نمی‌بیند یا نادیده می‌انگارد. باید توجه داشت که شیخ این سخن را از دیگری نقل می‌کند.

وی در نقد دیدگاه بعضی از فقها در ادامه می‌گوید: بیشتر تحقیق کردیم که اگر تعدد تکلیف و مکلف به واقع شود، ثابت شد که امثال امر غسل - غیر از جنایت - خودش فی نفسه و بالاستقلال کار خوبی است و خود غسل هم حسن مستقل خودش را دارد. عقل و عرف می‌دانند که امثال امری که واجب است تحقق نمی‌یابد، مگر با قصد تحقق عنوان مأمور به و ایتیان امری که صادر شده است. معقول نیست که امثال کردن یکی از دو امر، امثال امر دیگری باشد و حال آنکه آن دیگری مقصود نبوده و متعلق

توجه و التفات ما هم نبوده است. (شیخ انصاری، کتاب الطهارة، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۳۲). در اینجا عقل در کنار فهم عرفی قرار می‌گیرد.

۴.۷. دلیل انصاف

شیخ در بسیاری از موارد در مقام استدلال به انصاف تمسک می‌کنند. سؤال این است که انصاف از نظر وی چه نوع دلیلی است؟ آیا انصاف چیزی غیر از داوری عقل است و چه معنا و مفهومی می‌تواند داشته باشد؟ آنچه مسلم است اینکه انصاف، کتاب، سنت یا اجماع نیست. آنچه از ادله چهارگانه باقی می‌ماند، دلیل عقلی است.

ممکن است انصاف عرف پنداشته شود. با این فرض نیز موضوع جای بحث دارد، زیرا شیخ عرف را یکی از مراتب عقل می‌داند. وی عرف را چنین تفسیر می‌کند: «لاوجه لتوهم اختلاف العرف للعقل وكذلك العقل والسرّ في ذلك ان العرف لاحكومة له في قبال العقل بل العرف مرتبة من مراتب العقل، و انّ العرف هم العقلاء» (شیخ انصاری، ۱۳۶۲: ۱۵۰ و ۱۵۱).

هیچ وجهی برای این توهم نیست که کسی بیندارد، بین حکم عرف و عقل اختلاف وجود دارد. سببش این است که عرف، هیچ‌گونه حکمی در برابر عقل ندارد، بلکه خود، مرتبه و نمایه‌ای از عقل است و به‌راستی، عرف، همان عقلا است. به‌نظر می‌رسد باید درباره انصاف که شیخ در موارد بسیاری به آن تأکید دارد و خود دلیل عرف بایسته است، بازخوانی جدی صورت بگیرد. چنانکه شیخ تصریح می‌کند، عرف خود بخشی از دلیل عقلی است. عقل در بین دو یا چند گزینه یکی را با ملاک‌های خاص برمی‌گزیند. نکته مهم اینکه انصاف دلیلی است که در رابطه با فهم خود آیه یا روایت هم کاربرد دارد. «علی رفع جمیع الآثار تم ذلك في الجملة، لكن الانصاف ظهور الرواية في رفع المؤاخذه» (شیخ انصاری، ۱۴۱۴: ۷۶).

«الانصاف يقتضي منع الانصراف المذكور في اطلاقات وجوب تقليد الاعلم، مضافا إلى بناء العقلاء علی ترجیح الاعلم علی الاطلاق.» (شیخ انصاری، القضاء و الشهادات، ۱۴۱۵: ۵۷).

۵. نتیجه‌گیری

شیخ انصاری از معدود کسانی است که از دلیل عقل به‌طور گسترده استفاده کرده‌اند. وی عقل را در کنار شرع به‌عنوان رسول باطنی مطرح می‌کند و حجیت آن را به این دلیل به‌طور کامل می‌پذیرد. او به استقلال عقل در حکم باور دارد و این مطلب را در قالب تقسیم دلیل عقلی به دو قسم بیان می‌کند:

نخست نوعی که مستقل از خطابات شرعی است. در ذیل آن حسن "نیکوکاری" و قبح "ظلم" را مطرح می‌کند. در این موارد خطابات شرعی مطابق با حکم عقل را، حکم ارشادی می‌داند.

نوع دیگر را دلیلی عقلی می‌داند که بر خطابات شرعی مبتنی است. از دیدگاه شیخ مواردی چون وجوب مقدمه واجب، ترک ضد، مسئله اجزا و مواردی از ملازمات عقلیه ذیل این مورد قرار می‌گیرد.

وی در مواردی قبح برخی محرمات شرعی را به دلیل عقل مستقل می‌داند. وی همچنین اعتقاد دارد دلیل عقل قطعی در تعارض با نص مقدم است. در استدلال به عمومات عقل را یاری‌کننده دلیل شرع می‌داند و در مقام تعارض امارات، انتخاب اقوی را به دلیل عقل ثابت می‌کند.

مرحوم شیخ انصاری عقل را حاکم به اجتناب از محرمات شرعی و در مواردی در حکم شرع را به عقل می‌داند و بیان می‌کند که در برخی موارد تکلیف به دلیل خطاب شرعی به دلیل عقلی ساقط می‌شود. او همچنین وجوب تحصیل موافقت با حکم شارع را به دلیل عقلی اثبات می‌کند.

در مواردی استصحاب را دلیلی عقلی می‌داند و مقدمات آن را به صورت قضیه عقلی به اثبات می‌رساند.

شیخ انصاری دلیل عقل را مؤسس برخی قواعد کلی دانسته است که می‌تواند در استنباط احکام به فقیه کمک کند. این قواعد مواردی چون وجوب دفع عقاب محتمل را در بر می‌گیرد که شاید در قالب دفع ضرر محتمل وارد شود. لزوم جلب منفعت نیز از این موارد به‌شمار می‌رود.

شیخ دلیل عقل را گاه به معنای فهم عرفی به‌کار برده است. وی همچنین در مواردی عنوان الانصاف را به‌کار برده که اگر به معنای فهم عرفی باشد، دلیل عقلی به حساب می‌آید.

منابع

- [۱]. الانصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۴ه.ق). *رسائل الفقهیه*، گروه پژوهشی در کنگره، قم، کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- [۲]. الانصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۶). *فرائد الاصول*، ج ۱ و ۲، قم، انتشارات اسلامی.
- [۳]. الانصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵ه.ق). *القضاء و الشهادات*، گروه پژوهشی در کنگره، قم، کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

- [۴]. الانصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵ ه.ق.). کتاب الصلوة، گروه پژوهشی در کنگره، قم، کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- [۵]. الانصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۳ ه.ق.). کتاب الصوم، گروه پژوهشی در کنگره، قم، کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- [۶]. الانصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵ ه.ق.). کتاب الطهاره، گروه پژوهشی در کنگره، قم، کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- [۷]. الانصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، (۱۳۶۲). مطارح الانظار، ابوالقاسم کلانتری، قم، موسسه آل البيت.
- [۸]. تبریزی، موسی بن جعفر بن احمد، (۱۳۶۹ ه.ق.). قاعدة الضرر، اليد، التجاوز و الصحة (أوثق الوسائل)، ج ۱، قم، کتابفروشی کتبی نجفی.
- [۹]. حر عاملی، شیخ، (۱۴۱۴ ه.ق.). وسائل الشیعه، ج ۱۸، بیروت، احیاء التراث العربی.
- [۱۰]. طباطبایی حکیم، سید محسن، (۱۴۰۴ ه.ق.). مستمسک العروة الوثقی، ج ۷، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- [۱۱]. فیض، علیرضا، (؟). ارزش مدرکات عقلی، دلیل عقل، نشریه گروه تحقیقاتی دانشکده حقوق دانشگاه: ۷۴-۴۲.
- [۱۲]. قماش، سعید؛ (۱۳۸۰). «بازشناسی جایگاه عقل در فقه شیعه»، ماهنامه رواق اندیشه، شماره ۳، ۵۷-۴۶.
- [۱۳]. قماش، سعید؛ (۱۳۸۹). جایگاه عقل دلیل عقل "در استنباط احکام شرعی، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- [۱۴]. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ ه.ق.). اصول کافی، ج ۱، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- [۱۵]. مخلصی، عباس، (۱۳۷۳). «پایه‌های فکری شیخ انصاری»، مجله فقه، شماره اول، قم، ۶۰-۴۸.